



Islamic Maaref University

Scientific Journal

PAZHUHESH NAME-E AKHLAQ

Vol. 17, Summer 2024, No. 64


The Ethics of Servanthood in the Prophets' Prayers Based on the Binary Division Model (With Emphasis on the Opinions of Allama Javadi Amoli)

Nasim Sadat Mortazavi¹ \ Mahdieh Sadat Mostaqimi²

1. Level 4 scholar of comparative interpretation at Rokn al-Hoda Specialized Center, Kerman, Iran, and lecturer in Islamic studies. (Corresponding author).

nasim.mortazavi2012@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Philosophy and Theology, University of Qom, Qom, Iran.

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2024.06.25 Accepted: 2024.08.19	The style of the supplications of the prophets in the Quran is very diverse, and examining it from different angles can be of particular importance and necessity. The research gap in this stylistics and from the perspective of the ethics of servitude adds to the importance of this research. This article, by inducing Quranic supplications and making research reflections and using a descriptive-analytical method, presents the supplications of the prophets in the form of numerous binary divisions and has reached models of seemingly contradictory supplications arising from these supplications. By analyzing them and emphasizing the opinions of Allamah Javadi Amoli, while adopting some of the ethics of servanthood in the verbal formulation of supplications, it has reached this conclusion. That the seemingly different models of the prayers of the prophets are compatible with the ethics of servitude and spirituality, and their apparent differences are rooted in the words and existential talents of the prophets, their states of heart, and the type of their verbal communication with God.
Keywords	Quranic prayer, ethical style, prophets, ethics of servitude, binary divisions, model, Javadi Amoli.
Cite this article:	Mortazavi, Nasim Sadat & Mahdieh Sadat Mostaqimi (2024). The Ethics of Servanthood in the Prophets' Prayers Based on the Binary Division Model (With Emphasis on the Opinions of Allama Javadi Amoli). <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 17 (2). 111-128. DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.109
DOI:	https://doi.org/10.22034/17.64.109
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

أخلاق العبودية في أدعية الأنبياء علي أساس نموذج التقسيم الثنائي (مع التركيز علي آراء العلامة الجوادى الآملى)

نسيم السادات المرتضوي^١ / مهديه السادات المستقيمي^٢

١. طالبة في المستوي الرابع في التفسير المقارن، مركز ركن الهدي التخصصي، كرمان، إيران
ومدرسة دروس المعارف الإسلامية. (الكاتبة المسؤولة).

nasim.mortazavi2012@gmail.com

٢. أستاذة مشاركة في قسم الفلسفة والكلام، جامعة قم، قم، إيران.

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	إنَّ أسلوب أدعية الأنبياء في القرآن متنوعة للغاية، وتحظى دراسته بأهمية وضرورة من شتى الأبعاد. هذا وتضيف الفجوة البحثية في تحليل الأسلوب من منظور أخلاق العبودية إلى أهمية هذا البحث. قد قدّم المقال أدعية الأنبياء خلال تقسيمات ثنائية عديدة بجمع الأدعية القرآنية والدراسات البحثية، كما اعتمد على المنهج الوصفي التحليلي. ثم تمّ العثور على أساليب ناشئة من الأدعية تبدو متناقضة. وتحليل هذه الأساليب والتركيز على آراء العلامة الجوادى الآملى قمنا باستخراج بعض آداب العبودية من شكل الدعاء اللفظي. وقد توصلنا إلى أنَّ الاختلاف الظاهري لأساليب أدعية الأنبياء تلائم مع أخلاق العبودية والروحانية، ويكمن سرُّ الاختلاف الظاهري بينها في كلمات الأنبياء ومواهبهم الوجودية وأحوالهم القلبية ونوع تواصلهم اللفظي مع الله سبحانه وتعالى.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/١٢/١٨	
تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٢/١٤	
الألفاظ المفتاحية	الدعاء القرآني، النمط الأخلاقي، الأنبياء، أخلاق العبودية، التقسيمات الثنائية، النموذج، الجوادى الآملى.
الاقتباس:	المرتضوي، نسيم السادات و مهديه السادات المستقيمي (١٤٤٦). أخلاق العبودية في أدعية الأنبياء على أساس نموذج التقسيم الثنائي (مع التركيز على آراء العلامة الجوادى الآملى). مجلة علمية النشرة الاخلاقية. ١٧ (٢).
رمز DOI:	DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.109 ١١١ - ١٢٨
الناشر:	https://doi.org/10.22034/17.64.109 جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



پژوهش‌نامه اخلاق

سال ۱۷، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۶۴

اخلاق بندگی در ادعیه پیامبران براساس الگوی تقسیم ثنائی (با تأکید بر آراء علامه جوادی آملی)

نسیم سادات مرتضوی^۱ / مهدیه سادات مستقیمی^۲

۱. دانش پژوه سطح ۴ تفسیر تطبیقی مرکز تخصصی رکن الهدی، کرمان، ایران
و مدرس دروس معارف اسلامی (نویسنده مسئول).
nasim.mortazavi2012@gmail.com
۲. دانشیار گروه فلسفه و کلام دانشگاه قم، قم، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۱۲۸ - ۱۱۱)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹</p>	<p>سبک ادعیه انبیا در قرآن دارای تنوع بسیار است و بررسی آن می تواند از زوایای مختلفی دارای اهمیت و ضرورت ویژه باشد. خلأ پژوهشی در این سبک‌شناسی و با نگاه اخلاق بندگی براهمیت این پژوهش می‌افزاید. این مقاله با استقراء ادعیه قرآنی و بذل تأملات پژوهشی و با روش توصیفی تحلیلی، دعای پیامبران را در قالب تقسیمات ثنائی متعددی ارائه نموده و به مدلهایی از دعاها به ظاهر متخالف برآمده از این ادعیه دست یافته و با تحلیل آنها و با تأکید بر آراء علامه جوادی آملی ضمن اصطیاد برخی از آداب اخلاقیات بندگی در صورت بندی گفتاری دعا به این نتیجه دست یافته است که مدلهای به ظاهر متفاوت دعای انبیا با اخلاق بندگی و معنویت سازگارند و سر تفاوت ظاهری آنها در کلمات واستعدادهای وجودی انبیا و احوالات قلبی ایشان و نوع ارتباطات کلامی آنها با خداوند ریشه دارد.</p>
واژگان کلیدی	دعای قرآنی، سبک اخلاقی، انبیا، اخلاق بندگی، تقسیمات ثنائی، مدل، جوادی آملی.
استناد:	مرتضوی، نسیم سادات و مهدیه سادات مستقیمی (۱۴۰۳). اخلاق بندگی در ادعیه پیامبران بر اساس الگوی تقسیم ثنائی (با تأکید بر آراء علامه جوادی آملی). پژوهشنامه اخلاق. ۱۷ (۲). ۱۲۸ - ۱۱۱.
کد DOI:	DOI: https://doi.org/10.22034/17.64.109
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.



الف) طرح مسئله

ساحت ارتباط وجودی و گفت‌وگو و راز و نیاز انبیا با خداوند، از مباحث بسیار مهم در گفتمان معنویت تلقی می‌شود و اخلاق و بایسته‌ها و شایسته‌های مربوط به دعا یکی از خطوط اصلی فضای اخلاق معنویت و بندگی است. هر سطر از سطور زندگی انبیا به‌عنوان وارسته‌ترین و پاک‌ترین انسان‌ها در طول تاریخ می‌تواند سرفصل‌های مفصلی را در زمینه اخلاق عبودیت بگشاید و هر جمله از عبادت و راز و نیازهای آنان و ستایش‌های ایشان می‌تواند الهام‌بخش بایدها و نبایدها و شایسته‌ها و ناشایسته‌های مربوط به فضای دعا و مناجات باشد. این مقاله با هدف تحلیل اخلاقی سبک‌ها و مدل‌های گفت‌وگو و دعا و مناجات با خدا و تحلیل و بررسی انواع دعا‌های انبیا در قرآن، و با توجه به چالش عصری چگونگی راز و نیاز با خداوند، نگاشته شده است. مسئله مهمی که در گفتمان اخلاق معنویت و مرتبط با اخلاق دعا در این زمینه مطرح می‌شود، این است که ارتباطات کلامی و گفت‌وگوها و دعا‌های صمیمانه و عارفانه انبیا با خداوند چه مدل‌هایی داشته است؟ و تحلیل اخلاقی که بتوان آنها را بر آن اساس، سازوار با اخلاق بندگی نشان داد، چیست؟ این نوشتار با استقرای تام انواع سبک‌های دعای انبیا براساس ملاک‌هایی که استنباط شده، با رویکردی نوین، به تقسیماتی درباره اقسام این دعاها دست یافته و هر یک از اقسام را به‌مثابه یک مدل معرفی کرده و مثال زده و با رویکرد اخلاق بندگی تحلیل کرده است؛ البته سعی شده در تدوین این مطالب از آرا و مبانی علامه جوادی استفاده شود.

ب) معنای مدل دعای قرآنی

دعا در لغت به‌معنای رغبت داشتن به خداوند، مسئلت، طلب شیء یا کسی را خواندن، صدا زدن و یاری طلبیدن است (ابن‌منظور، ۱۴۰۸: ۱۴ / ۲۵۷؛ فیومی، بی‌تا: ۲ / ۱۹۴). دعا در قرآن به‌معنای آن است که دعاکننده نظر دعاشده را به خود جلب کند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۴۲ / ۲) که دارای وجوه معنایی مختلف می‌باشد و تمام آن به معنای اصلی (توجه داعی به مدعو) برمی‌گردد. به عبارت دیگر، معانی ندا، عبادت، دعوت، ادعا و کمک خواستن، از اهداف معنای اصلی شمرده می‌شوند که در قرآن کریم به تمامی این وجوه اشاره شده است و منظور از دعا‌های قرآنی، گفت‌وگو‌هایی است که اولیا و انبیا با خدا و در مقام توجه به مدعو، یعنی خدا داشته‌اند و خداوند آنها را در قرآن نقل فرموده است.

مدل‌های دعا نیز الگو‌هایی هستند که بر آن اساس می‌توان سبک دعا را طراحی کرد. مدل‌ها در جهت‌دهی به عواطف و احساسات، ساختار معرفت دینی و نحوه مواجهه با امر قدسی و تجربه آن، و جهت‌دهی به ارزش‌های اخلاقی انسان، سهم مهمی دارند. مدل‌های دینی بی‌سبب تولید نمی‌شوند؛ آنها

به شدت متأثر از آموزه‌های دینی هستند (حسینی، قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۳) از آنجاکه پیامبران همواره با خداوند در گفت‌وگو بودند، شناسایی سبک‌های متنوع دعا‌های ایشان می‌تواند مدل‌های مختلفی از دعا را به ما معرفی کند و در این راستا دستاوردهای فراوانی داشته باشد. راه و رسم گفت‌وگو با خدا را بدون توجه به این مدل‌ها نمی‌توان به خوبی به دست آورد.

ج) سیر تنوع مدل‌های دعای پیامبران

بعضی از اسرار مهم تنوع مدل‌های دعای پیامبران یا دعا‌های یک پیامبر در احوالات متفاوت، می‌تواند این موارد باشد:

۱. تفاوت بر اساس طلب مقتضیات ظهور اسماء متفاوت

هر یک از مخلوقات عالم، مظهر اسمی از اسماء الهی است و نبوت یعنی اخبار از اسماء و صفات الهی. لذا کافه موجودات از آن جهت که کلمات الهی هستند و از مظاهر اسماء و صفات حضرت حق خبر می‌دهند، به نوعی نبی هستند. انبیا به عنوان مصادیق انسان کامل و مظاهر تام اسماء و صفات الهی، این اسماء را در عالم ملک به ظهور رسانده، از حقیقت آن خبر می‌دهند. درواقع انسان کامل به منزله آینه‌ای است که دو وجه دارد: در یک طرف، اسماء و صفات الهی تجلی و ظهور کرده و حق تعالی خود را در آن شهود می‌کند؛ و در طرف دیگر، کل عالم هستی را با تمام اوصاف و کمالات وجودی آن نشان می‌دهد (بیدهندی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۵). بنا بر توصیه قرآن (اسراء / ۱۱۰) که خدا را با اسماء حسنا الهی بخوانید، منحصرأ او صاحب اسماء اکمل است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۵۴ / ۱۰۴). از این رو با تأملات پژوهشی در ادعیه انبیا درمی‌یابیم گاهی حاجت انبیا با اسماء الهیه متناسب با آن گره خورده است؛ برای مثال، حضرت شعیب نبی خطاب «خَيْرُ الْفَاتِحِينَ» را در دعای گشایش بین خود و قومش به کار برد (اعراف / ۸۹)؛ همچنان که حضرت ایوب «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» خداوند را در رفع مس ضر، واسطه قرار می‌دهد (انبیاء / ۸۳)؛ یا حضرت موسی دخول در رحمت الهی را با «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» قرین می‌سازد (اعراف / ۱۵۱)؛ یا حضرت ابراهیم عصیان افراد را به غفران و رحمت الهی واگذار می‌کند (ابراهیم / ۳۶)؛ و حضرت زکریا «سَمِيعُ الدُّعَاءِ» خداوند را در هبه ذریه طیبه فصل الخطاب قرار می‌دهد.

۲. تفاوت بر اساس استعداد وجودی

گاهی دعا به زبان استعداد است و استعداد وجودی پیامبران، متفاوت است. از این رو نوع دعا‌های آنان متفاوت است. این گونه دعا قطعاً اثر می‌کند؛ چون اگر موجودی استعداد دریافت کمال و فیض را داشت و

نقص در قبول قابل نبود، در فاعل، یعنی خداوند سبحان، بخل و امساک نیست و او هر موجودی را که به استعدادی مجهز شود، به مقصد می‌رساند؛ همان‌طور که موسای کلیم فرمود: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه / ۵۰). استعداد، مفهومی عقلی است که از تحقق شرایط و ارتفاع موانع، انتزاع می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ۲۱۱). درباره این قسم از دعا چنین آمده است که هرچه خواستید، گرفتید: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ» (ابراهیم / ۳۴)؛ یعنی هرچه را به لسان استعداد خواستید، به شما داد؛ و گرنه خداوند بسیاری از ادعیه به لسان مقال را که با استعداد همراه نیست، رد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۹ / ۴۰۵).

۳. تفاوت براساس تفاوت احوال قلبی

دعا به زبان حال، نازل‌تر از لسان استعداد است. نزد بعضی، حال، همان استعداد است. گاهی انسان حال و استعداد مقطعی و گذرا پیدا می‌کند و قلبش با خلوص متوجه خدا می‌شود که در این حال دعایش مستجاب است. در این قسم نیز همچون قسم اول، دعای لفظی مطرح نیست؛ فقط حالت خضوع، درخواست، التجا و مانند آن پدید می‌آید که شخص چیزی را طبق حالت ویژه‌ای که دارد، از خداوند درخواست می‌کند، هرچند استعداد آن به نصاب تام نرسیده باشد (همان: ۴۰۶). سرّ اینکه ما همه مدل‌های دعا‌های انبیا را مطابق اخلاق بندگی می‌دانیم، این است که یکی از شاخص‌های دعا این است که باید مطابق زبان حال باشد و احوال قلبی بسیار متغیرند و انسان باید براساس این حالات دعا کند.

۴. تفاوت به زبان مقال

دعا به زبان مقال؛ این‌گونه دعا کردن در تأثیر مانند دو قسم سابق نیست (همان)؛ هرچند صبغه عبادی آن محفوظ است: «الدعاء معّ العبادَة» (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷ / ۲۷). هرکدام از پیامبران در برخی جلوه‌های رفتاری با یکدیگر متفاوت بودند و یک ساحت از جلوه‌های رفتاری ایشان در رابطه با خدا بوده است و در ایجاد رابطه کلامی با خداوند هم بنا به علل و عوامل، با قول‌ها و کلمات و سیاق و آداب کلامی متفاوتی ارتباط برقرار می‌کردند.

لازم است عنایت شود که دعا برای داعیان یکسان نیست؛ چنان‌که رسول اکرم ﷺ به ابوذر فرمود:

يا أَبَاذَرٍّ! يَكْفِي مِنَ الدَّعَاءِ مَعَ الْبَرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْمَلْحِ (حر عاملی، ۱۴۰۳: ۷ / ۸۴).

اگر انسان جزو ابرار شد، دعا به زبان مقال، به اندازه نمک طعام کافی است.

یعنی بکوش زبان استعداد یا حال پیدا کنی؛ به‌گونه‌ای که اگر آه کشیدی، اثر کند و کوشش کن که بر رَقَم استعداد و بر نصاب حال بیفزایی که در این حال، کمی دعا به زبان مقال با افزونی استعداد یا حال

جبران می‌شود؛ برخلاف آنکه شاید کمی استعداد یا قصور حال، با زیادی سؤال ترمیم نشود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۹ / ۴۰۷).

د) مدل‌های دعا مستنبط از تقسیمات ثنایی

مدل و الگو مفهومی است که در واقعیت عینی و در ظرف زمان و مکان و شرایط، برحسب مورد، دستخوش تبدلاتی می‌شود؛ وقتی سخن از مدل و الگوی دعا پیش می‌آید، ما به یک حقیقت ثابت به‌مثابه شالوده و ساختار اصلی و هسته کانونی دعا، یعنی توجه داعی به مدعو و مواجهه با او، پی می‌بریم و به این مطلب هم واقف می‌شویم که در اثر تبدیل و تبدلاتی که در ظرف تحقق دعا محقق می‌شود، مدل‌ها و گونه‌های مختلفی از دعا به وجود می‌آید و حتی گاهی این مدل‌ها از جهاتی با یکدیگر قسیم محسوب می‌شوند و گاهی یک ملاک خاص، سبب تقسیم بین نفی و اثبات می‌شود و دو مدل ناهمگون از دعا از آن تقسیم ثنایی به دست می‌آید.

از چشم‌اندازهای مختلف می‌توان مدل‌ها و الگوهای را برای دعا معرفی کرد. یکی از نوآوری‌های این مقاله این است که با استقرای تام دعا‌های قرآنی سعی کرده ملاک‌هایی را برای تقسیم در ضمن دعا‌های پیامبران بیابد و آنگاه بتواند آنها را در قالب تقسیمات ثنایی بیان کند تا از هر تقسیم، دو مدل متقابل به دست آید.

منظور از تقسیم ثنایی، یک نوع تقسیم عقلی است که دائرمدار نفی و اثبات است و اقسام در آن کاملاً براساس تحلیل عقلی احصا می‌شوند و از این جهت کامل‌ترین و جامع‌ترین نوع تقسیم است. در ذیل، این تقسیمات را یادآور می‌شویم:

۱. تقسیم دعای انبیا به دعای دارای درخواست حاجت یا بدون درخواست حاجت.
۲. تقسیم دعای انبیا به دعای دارای تصریح به درخواست حاجت یا عدم تصریح به حاجت (ابراز تلویحی حاجت).
۳. تقسیم دعای انبیا به دعای دارای تصریح به حاجت دنیوی یا غیردنیوی.
۴. تقسیم دعای انبیا به دعای دارای تصریح به حاجت معین یا غیرمعین.
۵. تقسیم دعای انبیا به درخواست دارای تبیین طبیعی و علل ملکی یا فاقد تبیین طبیعی و دارای علل غیرملکی.

۶. تقسیم دعای انبیا به دعای همراه با شکایت از وضع موجود یا عدم شکایت (رضایت به وضع موجود).
نقطه عطف در این مقاله، این است که با استناد به سیره انبیا و مدل‌ها و سبک‌های مختلف نیایش‌ها

و ستایش‌های ایشان، مشخص شود که کدام سبک و مدل دعا با اخلاق بندگی سازگار است و شاخص‌های دعای سازگار و ناسازگار با اخلاق بندگی و معنویت چیست.

۱. تقسیم‌ثنایی اول: تقسیم دعای انبیا براساس اشتغال یا عدم اشتغال بر درخواست حاجت

ادعیه قرآنی را می‌توان به اعتبار اشتغال یا عدم اشتغال آن بر درخواست حاجت، مورد توجه قرار داد. گاهی نگاه داعی به‌سوی فقر خویش است و با توجه به فقر وجودی خویش حاجت خود را از خداوند درخواست می‌کند؛ گاهی نگاه او به‌سوی غنای مدعو است؛ در این هنگام داعی هنگام توجه به مدعو فقط خوبی‌های او را می‌بیند و دیگر متذکر نقایص و حوائج خود نیست و هیچ درخواستی از او نمی‌کند. نوع مواجهه و ستایش داعی، خود تقسیمات و جلوه‌های متفاوتی دارد؛ ولی در این تقسیم، فقط به‌صورت تقسیم‌ثنایی، این مطلب مورد توجه قرار می‌گیرد که آیا در دعا حاجتی هم از خدا خواسته شده است یا حاجتی از او طلب نگردیده است.

تحلیل دو مدل دعای برآمده از تقسیم‌ثنایی اول با رویکرد اخلاق بندگی

مدل اول: دعای مشتمل بر درخواست حاجت

گاهی فقر و حاجت انسان می‌تواند معبری برای توجه به خدا و دعا به درگاه او باشد. داعی از این رهگذر، دعا می‌کند تا با طلب و درخواست حاجت به او نزدیک شود؛ چنان‌که حضرت ابراهیم در آیات سوره شعرا به حاجت‌های متعددی توجه کرده و با صراحت، آنها را از خدا می‌خواهد. الحاق به صالحان: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء / ۸۳)؛ خوشنام بودن بین بندگان خدا: «وَأَجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ» (شعراء / ۸۴)؛ و آمرزش عمویش، آزر: «وَاغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء / ۸۶)، از جمله این حاجت‌هاست.

مدل دوم: دعا براساس عدم اشتغال بر درخواست حاجت

توجه داعی به مدعو با چشم‌اندازهای مختلفی است؛ گاهی داعی در مواجهه با خدا فقط زبان و جانش به ستایش خدا باز می‌شود و حاجتی از او درخواست نمی‌کند. حال اگر در توحید او مستغرق شود، ستایش او در جلوه تهلیل ظهور می‌یابد؛ همچون دعای حضرت یونس که به خدا در گرفتاری خویش عرض کرد: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (انبیاء / ۸۷)؛ و اگر نگاهی به زیبایی‌ها و حسن ذاتی خدا پیوند یابد، ستایش او در جلوه تحمید ظاهر می‌گردد؛ مانند حضرت سلیمان و داود که در مقام تحمید به خداوند عرضه داشتند: «قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ» (نمل / ۱۵)؛ و اگر مبرابردن او از صفات ممکنات را بنگرد، ستایشش در جلوه تنزیه و تقدیس و تسبیح ظهور می‌یابد؛

همچون دعای حضرت عیسی که به خداوند فرمود: «قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ...» (مائده / ۱۱۶)؛ و اگر به نعمت‌هایی که خدا به او داده و احسانی که به او کرده، نظر کند، شکر می‌کند؛ چنان که حضرت سلیمان فرمود: «رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ» (نمل / ۱۹).

بنابراین در دعای انبیا هر دو مدل دعا دیده می‌شود؛ گاهی توجه آنها به خدا قطع نظر از نیازهای خودشان بوده؛ و گاهی با توجه به نیازهای خودشان دعا می‌کرده‌اند. بنابراین هیچ‌یک از این دو مدل دعا با اخلاق بندگی منافاتی ندارد و برحسب تطور حالات ایشان است.

۲. تقسیم ثنایی دوم: تقسیم دعای انبیا به دعای دارای تصریح به درخواست حاجت یا عدم تصریح به حاجت (بیان تلویحی)

در یک تقسیم‌بندی، براساس تصریح به حاجت و عدم تصریح به آن، دو مدل دعا را بررسی کردیم که به‌صورت قسیم هم می‌توان مطرح کرد: گاهی در حین دعا، به حاجت تصریح می‌شود و گاهی به آن تصریح نمی‌شود. در مدل اول، کاملاً با دلالت منطوقی و به‌صورت واضح، بنده به حاجت خود تصریح می‌کند؛ ولی در مدل دوم، بنده با دلالت التزامی و مفهومی به حاجت خود اشاره می‌کند و دعای او به دلالت التزامی، مشتمل بر درخواست حاجت است.

تحلیل دو مدل دعای برآمده از تقسیم ثنایی دوم با رویکرد اخلاق بندگی مدل سوم: دعای دارای تصریح به درخواست حاجت

در این مدل دعا که برآمده از تقسیم ثنایی دوم است، بنده در اوج عبودیت و فقر به خود اجازه می‌دهد در مقام ابراز نیاز صراحت‌گویی کند و این امر با ظرایف و لطایف اخلاق بندگی منافاتی ندارد؛ زیرا اولاً، هرچند که خدا بسیار باعظمت و باجلال است، صراحت لهجه در درخواست، امری است که خودش اجازه داده و خود را در مقام اجابت قریب و مجیب معرفی کرده است «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ» (بقره / ۱۸۶).

ثانیاً، نباید پنداشت چون خداوند به ضمایر، آگاه است و از همه نیازها باخبر است، نمی‌توان به‌صراحت از او درخواست کرد.

ثالثاً، تصریح به حاجت، با مراتب شناخت خدا و اخلاق بندگی منافات ندارد. از آنجاکه فقر وجودی انسان، ذاتی وجود اوست، انسان باید دائم‌الدعا، دائم‌الطلب و دائم‌الاستغاثه باشد (ملاصدرا، ۱۳۸۹: ۲ / ۴۵۷). پیامبران بزرگ دائماً به نیازهای خود نزد خدا اقرار می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در اوج مقامات بندگی بود، در دعای خود با «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه / ۱۱۴) نیاز خود به دانش و فزونی آن را از خداوند خواستار شد.

مدل چهارم: دعای غیرمصرح به درخواست حاجت (درخواست تلویحی حاجت)

در مدل چهارم از دعا که برآمده از تقسیم ثنایی دوم است، بنده مایل است از خداوند درخواست داشته باشد؛ ولی آن را به صراحت بیان نمی‌کند؛ مثلاً با یک تلفیق مفهومی به خدا اضطرار خود را بیان، و خدا را با یکی از اسماء و اوصاف خودش که با آن حالت ضر و فقر مناسبت داشته، توصیف می‌کند. چنین تلفیقی در گفت‌وگو با خدا، مشعر این معناست که وی از خدا می‌خواهد که به اقتضای آن اسم شریفش تجلی، و آن اضطرار را برطرف کند؛ چنان که حضرت ایوب به خداوند فرمود: «وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ» (انبیا / ۸۳).

۳. تقسیم ثنایی سوم: تقسیم دعای انبیا به دعای دارای تصریح به حاجت دنیوی یا غیردنیوی
با توجه به اینکه خود خداوند به دعا و درخواست حاجت، امر فرموده است، امثال امر خداوند در زمینه حاجت دنیوی و رسیدن به لقای پروردگار، منافی اخلاق بندگی نیست. لذا طلب حوائج دنیوی با توجه به جایگاه نفس‌الامری دعا به اخلاق بندگی نزدیک است و از آنجا که مقام دعا لب و مغز و حقیقت عالم را در نظر دارد (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱ / ۴۳۱)، از این منظر هرچقدر انسان در دعا طمعش بیشتر باشد، به درجات قرب نزدیک‌تر خواهد شد. لذا درخواست حاجت اخروی، یا توأمان دنیوی و اخروی، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه براساس شاخص‌های مدل اخلاق بندگی و معنویت، با ساحت بندگی، سزاوارتر است.

تحلیل دو مدل دعای برآمده از تقسیم ثنایی سوم با رویکرد اخلاق بندگی**مدل پنجم: دعای مشتمل بر تصریح به حاجت دنیوی**

ممکن است شبهه شود که طبق شاخصه‌های مدل اخلاق بندگی، درخواست حاجت دنیوی، امری نادرست شمرده می‌شود؛ زیرا خداوند متعال ما را به اعراض و دوری از دنیا فراخوانده است. در پاسخ می‌توان گفت چون این امر، مأذون به اذن الهی است و در سیره و تعالیم انبیا به چشم می‌خورد، منافاتی با اخلاق بندگی ندارد. در تبیین موضوع نیز می‌توان گفت برای واژه دنیا دو معنا بیان شده است: پست‌تر، بنابر آنکه از «دنائت» گرفته شده باشد؛ و دیگری نزدیک‌تر، بنابر آنکه از «دنو» گرفته شده باشد و به‌خاطر نزدیکی‌اش، بدین نام نام‌گذاری شده است (طریحی، ۱۳۷۵: ۱ / ۱۴۹)؛ زیرا در آیات زیادی، با آخرت، به معنای پسین، یعنی جهانی که پس از این جهان است، مقابل افتاده است (بقره / ۸۶). نگاه مجموعه‌ای به دنیا، آن را به دنیای ممدوح و دنیای مذموم تقسیم می‌کند. دنیای ممدوح، شخصیت‌ساز است و با آخرت‌گرایی پیوندی استوار دارد؛ درحالی که در دنیای مذموم، دنیا فسادانگیز است. امام علی علیه السلام در ستایش از دنیا می‌فرماید:

دنیا خانه راستی است برای کسی که آن را راست گو پندارد؛ و خانه تندرستی است برای کسی که آن را بشناسد و باور کند؛ و خانه بی‌نیازی است برای کسی که از آن توشه برگیرد؛ و خانه پند و اندرز است (شریف الرضی، ۱۳۸۷: ۴۹۳).

در نگاه برخی عرفای اسلامی مانند هجویری دنیا سرای خدمت است؛ ارزش آن (از این بعد) به مراتب بیشتر از آخرت است. هجویری لقاءالله و رؤیت خداوند را به آخرت موکول می‌کند و فراهم کردن شرایط استحقاقش را مرهون تلاش در این دنیا می‌داند. او یک نفس در دنیا را بر هزار سال در آخرت دوست‌تر می‌داند (هجویری، ۱۳۷۸: ۲۷۸). از دعاهای پیامبران الهی پیرامون درخواست حاجت دنیوی، دعای حضرت ابراهیم علیه السلام است که امنیت شهر مکه را از خداوند خواستار شد: «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا» (ابراهیم / ۳۵) و سپس برای آنها رزق ثمرات «وَأَرْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ» را درخواست کرد؛ یا مانند حضرت عیسی علیه السلام که مائده‌ای را طلب کرد: «اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ» (مائده / ۱۱۴).

مدل ششم: دعای مشتمل بر تصریح به حاجت غیردنیوی

گاهی در ادعیه قرآنی، تصریح به حاجت غیردنیوی (اخروی) شده است؛ مانند حضرت ابراهیم که از خداوند درخواست بهشت نعیم کرد: «وَاجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ» (شعراء / ۸۵). دعای دیگر حضرت رسوا نشدن در روز قیامت بود: «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ» (شعراء / ۸۷). سایر ادعیه پیامبران الهی نیز مؤید خوبی بر مدعای ماست. گاهی در قرآن، دعا مشتمل بر تصریح به حاجت دنیوی و غیردنیوی به صورت توأم است؛ همان‌گونه که حضرت ابراهیم دعا کرد: «رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» (شعراء / ۸۳)؛ و نیز سلیمان نبی عرضه داشت کار خوبی انجام دهم که مورد رضای تو باشد؛ یعنی هم در دنیا عمل، شایستگی نام نیک داشته باشد و هم در آخرت باعث ترفیع درجه من باشد. عمل صالحی که مورد رضایت خداوند باشد، کافی نیست؛ از این رو او دعا می‌کند گوهر ذاتش اصلاح شود. لذا «أَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ» را ضمیمه دعای خود می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸ / ۱۴۶).

۴. تقسیم ثنایی چهارم: تقسیم دعای انبیا به دعای دارای درخواست حاجت معین یا حاجت

غیرمعین

انبیا در دعاهای خود گاهی تصریح به حاجت داشتند و حاجتشان را به صورت معین و مشخص از خداوند متعال درخواست می‌کردند؛ گاهی نیز مطلق خیر و نجات و رستگاری را از او طلب، و تعیین مصداق آن را به خدا واگذار می‌کردند.

تحلیل دو مدل دعای برآمده از تقسیم چهارم با رویکرد اخلاق بندگی

مدل هفتم: دعای مصرح به درخواست حاجت معین

در تحلیل سازواری دعای مصرح به حاجت معین با اخلاق بندگی، باید مدعی شد که چون خداوند، هم اذن به درخواست حاجت داده و هم به آن امر فرموده است، چنین درخواستی، با اخلاق بندگی و معنویت منافاتی ندارد. دعا‌های فراوانی در قرآن کریم از سیره و تعالیم انبیا نقل شده که درخواست مشخص و معینی را به درگاه خداوند متعال ابراز کردند؛ مانند درخواست حضرت زکریا برای طلب فرزند: «قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً» (آل عمران / ۳۸)، یا اینکه حضرت موسی علیه السلام از خدا خواست که گره از زبان و تکلمش بردارد: «وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي» (طه / ۲۷)، یا حضرت ابراهیم از خدا این حاجت معین را خواست که عمویش، آزر را ببخشد: «وَاعْفِرْ لِأَيِّي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ» (شعراء / ۸۶).

در یک تحلیل اخلاقی دیگر با رویکرد اخلاق بندگی و معنویت، می‌توان این نکته را مطرح کرد که اگر انسان در دعایش حاجتش را تعیین کند، به این معنی نیست که مصلحت خود را به خدا یاد داده و خلاف ادب بندگی رفتار کرده؛ بلکه اگر در دلش خواسته معینی دارد و آن را با ادب از درگاه دوست طلب کند، با اخلاق بندگی سازوار است. البته از آداب دعاست که بنده چیز خاصی را به جزم به خدا پیشنهاد ندهد؛ زیرا ممکن است حاجتی را که انسان حتی با اخلاص و علاقه از خداوند برآوردن آن را می‌خواهد، برای او اصلاً یا در حال کنونی خیر نباشد (بقره/۲۱۶)؛ مثلاً از خداوند مال بخواهد تا صدقات جاریه داشته باشد و خداوند می‌داند که وی پس از استجابت دعا در معرض آزمون قرار می‌گیرد و مشمول «فَمِنْكُمْ مَنْ يَخْلُ» می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۶ / ۷۳۵).

مدل هشتم: دعای مصرح به حاجت غیرمعین

اگر کسی مقتضای حالش این باشد که هیچ حاجت معینی را به مثابه خیر خود تلقی نکند یا هیچ تصویری از اینکه راه نجاتش در چیست، نداشته باشد و در مواجهه با خدا در مقام دعا، تعیین مصداق خیر را به او واگذار کند، این مطلب با اخلاق بندگی، سازوار است.

در دعا‌های انبیا گاهی مشاهده می‌شود که ایشان خیر مطلق را از خدا می‌خواستند. حضرت موسی به خداوند عرض کرد:

رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ (قصص / ۲۴).

پروردگارا، من فقیرم و در عین فقر، دست نیاز به‌سوی تو دارم و خیر از تو مسئلت دارم.

در اینجا حضرت موسی علیه السلام از خداوند صراحتاً طلب حاجت کرد، ولی آن را به خداوند واگذار، و از منبع

خیر، خیرش را طلب کرد و خداوند در تعیین مصداق این خیر، دختران شعیب را به چاه مدین رسانید و هم وسیله ازدواج او را فراهم آورد و هم به او مسکن و شغل داد و هم او را تحت تربیت حضرت شعیب قرار داد تا به کمالات عالی برسد و شایستگی پیامبری پیدا کند.

۵. تقسیم ثنایی پنجم: تقسیم دعای انبیا بر درخواست حاجت دارای تبیین طبیعی و علل ملکی یا فاقد تبیین طبیعی و دارای علل غیرملکی

دعاهای انبیا به درگاه خدا در اکثر اوقات با نظام علیت در عالم ملک و نوامیس عالم طبیعت، سازگاری داشت؛ یعنی در راستای نظام علّی و معلولی همین عالم از خداوند درخواست حاجت می‌کردند؛ ولی گاهی دعاهای آنان، با علت‌های ملکی و تبیین طبیعی، ناسازگار بود و فقط در صورتی آن درخواست حاجت، معنی‌دار می‌شد که علل ملکوتی جایگزین می‌شدند. در مورد این دو مدل دعا نیز باید بررسی کرد که آیا هر دو مدل مذکور، یعنی هم مدل سازگار و هم مدل ناسازگار با علل ملکی را می‌توان مطابق اخلاق بندگی تلقی کرد؟

تحلیل دو مدل دعای برآمده از تقسیم پنجم با رویکرد اخلاق بندگی

مدل نهم: دعای سازگار با علت‌های ملکی و تبیین طبیعی

گاهی دعا با سنن و علل ملکی، سازگار است و ممکن است به‌ظاهر همه اسباب تحقق متعلق دعا فراهم باشد؛ ولی توصیه شده است که در چنین مواردی نیز باید دعا کرد؛ چون در جهان ملک، نه‌تنها باید مقتضی موجود و موانع مفقود باشد، بلکه همه اینها علت‌های ناقصه‌اند و انسان با آنکه به‌ظاهر وسایل فراهم است، باید دعا کند که این علت‌ها مخدوش نشوند و همگی تا آخر محقق شوند و انس با دعا باعث می‌شود حاجت به اجابت نزدیک‌تر گردد؛ برای مثال، دلایل حکمی و شواهد قرآنی و روایی و حتی وجدانی، بیانگر این حقیقت است که زمان‌ها و زمین‌ها و مکان‌ها از حوادث و افعال و اشخاص و مکین‌ها تأثیرپذیرند و نظام علیت بر آنها حاکم است. تأثیرپذیری تمامی زمان‌ها و زمین‌ها از حوادث و افعال و اشخاص، اثبات‌شدنی است. شواهد علوم تجربی هم بر این مسئله دلالت می‌کند که در هر مکانی که افعال و اصوات ارزشمند و زیبا و پاک انجام و بیان شود و ساطع گردد، در نظم بیشتر هندسه مولکولی اجسام تأثیر می‌گذارد. به همین مقدار، اگر ناسازی و ناهنجاری، در محیط اتفاق بیفتد، در بی‌نظمی و به‌هم‌ریختگی هندسه مولکولی اجسام، مؤثر است و شواهد وجدانی دال بر آن وجود دارد که هر مقدار، مکان دارای شرافت بیشتر، و مکین دارای مراتب عالی‌تر باشد، آن زمان و این زمین تأثیر بیشتری دارند؛ برای مثال در جایی که نور مستقیم خورشید وجود دارد، بهره‌مندی از نور و آثار حیات‌بخش آن بیشتر

است (قنادی، مرتضوی، ۱۳۹۷: ۱۱۳). بر این اساس هرچقدر به منابع نوری، از جمله پیامبران الهی که مصداق اتم و اکمل نور هستند، یا به مکان‌های نورانی یا زمان‌های اجابت دعا نزدیک‌تر شویم، نورانی‌تر می‌شویم. لذا دعا در این مکان‌ها و زمان‌های خاص توصیه شده و با اجابت قرین گشته است و این حقیقت دارای شواهد متعدد در آموزه‌های وحیانی است؛ برای مثال دعای حضرت ابراهیم به «عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ» مزین شده است: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ»؛ همچنان که دعا و اجابت دعای حضرت زکریا در وقت نماز و در محراب عبادت بود: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى». یکی از بهترین زمان‌ها برای دعا، هنگام موفق شدن انسان به اشتغال یا انجام کارهای الهی است. حضرت ابراهیم و اسماعیل توانستند از فرصت مناسب نوسازی و بازسازی کعبه بهترین و بیشترین بهره را برای دعا و نیایش ببرند. از تعبیر «وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» معلوم می‌شود دعا‌های آن حضرت در حین اشتغال به بهترین عبادت، یعنی بازسازی کعبه بود و دعا در چنین حالتی به استجابت مقرون است. اگر روایتی نیز بر این معنا دلالت کند، تأیید محتوای قرآن است؛ نه تأسیس مطلب جدید (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷ / ۶۳).

مدل دهم: دعای ناسازگار با علت‌های ملکی و تبیین طبیعی

در منظومه معرفتی علامه جوادی، دعا با قانون علیت هماهنگ است. کارهای نیکی چون صدقه، صله رحم و دعا که در جهان تأثیر دارند، در برابر قضا و قدر الهی نیستند، بلکه خود این امور جزء جدول‌های قضا و قدرند. خدای سبحان این چنین قضا و قدر فرمود که با دعا و نیایش، آن کار را انجام دهد و این جزء قوانین نظام است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۳ / ۱۰۱). وقتی علل و سنن طبیعی فراهم نیست، درخواست امری برخلاف نظام علیت نیست، بلکه درخواست حاجت از او برای جایگزین شدن علل ملکوتی به جای علل ملکی است. به تعبیر دیگر، کسی که همسری نازا دارد، وقتی از خداوند طلب فرزند می‌کند، درحقیقت از او می‌خواهد که در نظام کلی علیت که بر جهان حاکم است، علل باطنی و آن جهانی و ملکوتی را به جای علت‌های این جهانی و ملکی بنشانند. بنابراین چنین دعایی خلاف اخلاق بندگی و در مقابل نظام علیت نیست و از سوی دیگر، بررسی سیره انبیا در مقام دعا نشان می‌دهد که ایشان این نوع دعا و طلب حاجت را داشته‌اند؛ حضرت زکریا در دعای خود از خداوند درخواست فرزند کرد و این در حالی بود که همسری نازا و پیر داشت. تطفن در حقیقت دعا ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که از مجرای اسباب مادی، ذریه طیبه برای زکریای نبی شکل نگرفت، بلکه با لسان دعا مستحق استعداد دریافت شد. نفوس مؤمنین و اولیا و انبیا به هنگام دعا و درخواست جدی از خداوند، با عالم بالا مرتبط و متحد

می‌شود و در اثر این ارتباط، می‌توانند در پدیده‌های مادی تأثیر بگذارند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۶ / ۴۱ - ۲۱). انسان، واجد رتبه ولایت تکوینی و صاحب مقام «کن» شده و به تصرف در ماده کائنات اقتدار می‌یابد (آشتیانی، ۱۳۷۲: ۲۵۹). دعا مانند معجزه و خرق عادت است. لذا معجزه هرگونه تفسیر شود، دعا همان‌گونه تفسیر می‌شود (رافتی، ۱۳۹۳: ۱۲۶). بنابراین نظام علیت، اعم از نظام ملکی و ملکوتی است؛ زمانی که علل ملکی موجود نباشد، می‌توان از طریق دعا و درخواست و توجه، از علل ملکوتی در نظام‌واره اخلاق بندگی بهره جست. بنابراین الگوریتم دعا در منظومه معرفت‌شناسی هستی، از جایگاه مهم و تأثیرگذاری در ارتباطات عالم ماده و معنا برخوردار است.

۶. تقسیم ثنایی ششم: تقسیم دعای انبیا همراه با شکایت از وضع موجود یا رضایت به وضع موجود از یک منظر دیگر می‌توان دعا‌های قرآنی را با یک تقسیم ثنایی به دو قسم تقسیم کرد که آیا فرد داعی با وضعیت موجود، خود را سازگار کرده، ولی برای رسیدن به وضعیت مطلوب‌تر دعا می‌کند یا آنکه وضعیت موجود برای داعی رنج‌آور است و او از این وضعیت به‌سوی خداوند، شاکی است. بنابراین ملاک این تقسیم، شکایت یا عدم شکایت از وضعیت موجود است. البته باید به این نکته توجه داشت که در هر دو صورت، فرد داعی، از خدا یا صدور قضا از سوی خدا، شاکی نیست؛ بلکه شکایت یا عدم شکایت او نسبت به مقضی بما هو مقضی است نه از مقضی بما هو صادر عن الله.

تحلیل اخلاقی دو مدل دعای برآمده از تقسیم ثنایی ششم با رویکرد اخلاق بندگی مدل یازدهم: دعای همراه با شکایت از وضع موجود

گاهی داعی هنگام توجه به مدعو، از مقضی و مقدر خود در وضعیت موجود، به خدا شکایت می‌کند؛ زیرا مقضی برای او سخت و اذیت‌بار است. با شرایط زیر، این نوع دعا با اخلاق بندگی منافاتی ندارد:
اولاً، شکایت از مقضی فقط به‌سوی خدا باشد و به‌سوی خلق شکایتی نکند.
ثانیاً، از مقضی بما هو مقضی به خدا شکایت کند و از مقضی بما هو صادر عن الله شکایت نکند.
ثالثاً، اگر خدا به شکایت او ترتیب اثر ندهد، از خدا شاکی نشود.

ما در سیره انبیا مشاهده می‌کنیم که گاهی ایشان به مقتضای حال چنین دعا‌هایی داشته‌اند؛ چنان‌که حضرت یعقوب که صاحب صبر جمیل است، صبرش با اشک و آهش در فراق یوسف منافات ندارد؛ او حزنش را با خدای خود در میان گذاشت: «قَالَ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ» (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۰ / ۲۴۶)؛ چه‌بسا شکوه او برای فقدان کمال و ولی‌ای از اولیای الهی بوده که حب او محبت خداست (همو، ۱۳۹۸: ۱۸ / ۱۰۸). ترک شکایت به خداوند ممکن است منشأ انتزاع استواری و مقاومت در برابر

خداوند تلقی گردد که همین برداشت، مایه نکوهیده شدن چنین حالتی است. لذا مردان الهی که از ملکه عصمت برخوردار، و از موهبت نبوت متنعم، و از فضیلت رسالت طرفی بسته بودند، شکایت به خداوند را در برنامه پرافتخار خود داشتند؛ مانند یعقوب و ایوب (همو، ۱۳۹۵: ۴۲ / ۵۱۱).

مدل دوازدهم: دعای همراه با ابراز رضایت از وضع موجود

گاهی داعی بی‌آنکه وضعیت فعلی برایش اسفبار باشد، به دلایل مختلفی از خداوند طلب وضعیت مطلوب‌تری می‌کند. وقتی خداوند به‌عنوان خالق هستی و علیم و حکیم مطلق، مطابق مشیت خود امری را برای بنده‌ای رقم می‌زند و از وی می‌خواهد بی‌چون‌وچرا مشیت او را بپذیرد و گویا در مرآت اسماء جلالیه بر او تجلی می‌نماید، اگر عبد به رضایتمندی مطلق در برابر او همچون میت بین یدی‌الغاسل قرار گیرد، باز هم همه‌چیز متناسب اخلاق بندگی است؛ ولی تجلیات حضرت حق از حضرت الهیه، مقتضی آن بوده است که ساحت دعا و استجابت را از مجلای دو اسم قریب و مجیب نیز برای بنده بگشاید و او وضعیت مطلوب‌تری را طلب کند و از این جهت این تحلیل، هم مشتمل توصیه به دعاست و هم مشتمل توصیه به رضا به قضای الهی؛ یعنی این امر به اخلاق بندگی نزدیک‌تر است که فرد، هم دعا کند و هم به نتیجه دعا رضایت دهد که اگر خداوند مشیت خود را تغییر داد، به آن راضی باشد و اگر به هر دلیلی خداوند قضای حاجت و مسئلت او را نپذیرفت یا آن را به تعویق انداخت، باز هم حالت رضایت و تسلیم کامل خود را حفظ کند که این مدل دعا به‌وفور در دعا‌های انبیا مشاهده می‌گردد.

ه) آداب ادعیه قرآنی پیامبران با رویکرد اخلاق بندگی

آداب، جمع ادب است و ادب، نوعی ظرافت کار است. ادب هرچیزی جمال و زیبایی آن است (همو، ۱۳۸۹: ۱۸ / ۱۸). پیامبران الهی در اوج اخلاق عبودیت و معنویت، دست به دعا برمی‌داشته‌اند؛ اما ظرایف و آدابی در گفتمان اخلاق بندگی و معنویت، مورد توجه پیامبران بوده که نشان‌دهنده مراتب والای اخلاق عبودیت در ایشان است. در ذیل، مواردی از آنها را تبیین می‌کنیم:

۱. انقطاع الی الله هنگام دعا

انبیا به‌طور مستقیم به ساحت خدای سبحان مراجعه می‌کردند؛ زیرا رجوع کردن فقط به خدا برای رفع مشکل، از خصایص انبیا و نشانه توجه تام و ناب و توحید محض در دعاست (همان: ۵۷)

۲. محفوف بودن درخواست حاجت با توجه به تقصیرات داعی

حضرت آدم علیه السلام پس از خوردن از درخت ممنوع، چنین دعا کرد: «قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا

وَتَرْحَمَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (اعراف / ۲۳). در این دعا نکاتی نهفته که در ادعیه سایر انبیا نیز وجود دارد؛ حضرت آدم هنگام دعا نه تنها خود را ندید بلکه خود را در مقام مقصر و نیازمند که واقعیت هر موجود ممکن است، معرفی کرد؛ از این رو حضرت آدم علیه السلام در این دعا می گوید: ما به خود ستم کردیم و رفع این مشکل هم به دست خداست و اگر این مشکل حل نشود، راهی جز خسارت برای ما وجود ندارد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۲۸ / ۲۹۹).

۳. محفوف نمودن درخواست حاجت به تسبیح و حمد خدا

بهترین دعا، تهللیل، تحمید، تسبیح و تکبیر خدای سبحان شمرده شده و از طرح درخواست قبل از حمد و تسبیح و تقدیس خدا نهی شده است. نتیجه چنین نیایشی توحید است و پیام این حمد و ثنا این است که نباید هیچ سهمی در هیچ مقطعی برای غیر خدا قائل بود. امام صادق علیه السلام فرمود: هر دعایی که در ابتدای آن حمد خدا نباشد، ناقص و ابتر است و به هدف نمی رسد (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۵۰۳). حمد، ستودن به صفات پسندیده است که جز با مرتبه والایی از ادراک محقق نمی شود و در این آیه عمومیت تسبیح، وجود ادراک در همه اشیا را ثابت می کند (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱ / ۱۵۲). انسان هم اگر تسبیح گوی حق شود، خود را در صف جماعتی طولانی به اندازه سماوات و ارض جای می دهد و چنانچه از این مرحله جلوتر رود، آنگاه مقام «يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ» (سبا / ۱۰) نصیب او می شود و تسبیح جمادات را که برخی شنیدند (بحرانی، ۱۴۱۵: ۴ / ۵۶۹)، وی نیز می شنود؛ زیرا صف جماعت آنها یکی است. کوه ها و پرندگان به امامت حضرت داود تسبیح می گفتند: «يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ» (ص / ۱۹)؛ «وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلُّ لَهَا أَوَّابٌ» (انبیاء / ۷۹). اگر او «اَوَّاب» است، سنگ ریزه ها و کوه ها هم اَوَّاب هستند. موجودات دیگر صدای انسان را می شنوند؛ وگرنه نه اهل شهادت بودند و نه اهل شکایت. شهادت و شکایت زمین نشان می دهد که می فهمد (کلینی، ۱۴۲۹: ۲ / ۶۱۳). پس چرا ما صدای آنها را نشنویم؟ اگر با مخلوقات هم نوا شویم، کم کم صدایشان را می شنویم (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۸ / ۵۴).

۴. محفوف بودن درخواست حاجت به ربوبیت

ربّ از اسمای حسناى الهی، و ربوبیت از صفات فعلی خدای سبحان است. قرآن کریم در آیات فراوانی، از یک سو عمومیت ربوبیت نظام تکوین و تشریع و حصر این سِمَت را برای خدای سبحان، مبرهن می سازد، و از سوی دیگر هرگونه ربوبیت کلی و جزئی را از دیگران سلب می کند. آیه کریمه «فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (جاثیه / ۳۶) جامع و بیانگر ربوبیت عام و وسیع الهی بر آسمان ها و زمین و انسان و عوالم گذشته و آینده و همه موجودات مجرد و

مادی است. سه بار تکرار «رَبِّ» و اضافه شدن آن به «السَّمَاوَاتِ» و «الْأَرْضِ» و «الْعَالَمِينَ» تصریح و تأکید بر این حقیقت است که رب همه موجودهای امکانی، یکی است. این آیه، افزون بر جامعیت در توحید ربوبی، در حمد الهی نیز جامع‌ترین آیه است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۲ / ۴۲۸). در دعای پیامبران الهی توحید در ربوبیت به‌وفور به چشم می‌خورد: حضرت موسی در حال نگرانی از تهاجم دشمن، تنها خدا را می‌خواند و او را با واژه «رَبِّ» فرا می‌خواند (قصص / ۲۱)؛ نیز هنگامی که همراهان وی پس از قیام علیه طغیان فرعون، گفتند: ما قطعاً گرفتار خواهیم شد، گفت: «كَلَّا إِنَّ رَبِّي سَيَهْدِينِ» (شعرا / ۶۲). در آداب دعا آمده است که دعاکننده در آغاز، خدای سبحان را با ندای «يَا رَبِّ» بخواند که نشان اعتراف به ربوبیت حق تعالی است؛ ولی پس از مدتی که انس و الفت پدید می‌آید، از مرحله ندا عبور کرده، به مرتبه نجوا قدم گذارد و کلمه «یا» را که نشان ندا و خواندن از دور است، حذف، و چنین مناجات کند: «رَبِّ رَبِّ رَبِّ»؛ و این خود علامت وصول به ساحت قرب حق است. حضرت ابراهیم هم در آیه ۲۶۰ سوره بقره درخواست خود را با کلمه «رَبِّ» شروع کرد که حاکی از وصول به مرحله‌ای از قرب و نجوا با پروردگار است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۲ / ۲۸۵). تکرار کلمه «رَبِّ» در دعای حضرت زکریا (دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ) گویای آن است که ایشان تحت ربوبیت حق تعالی خواسته‌های خویش را مطرح می‌کند. آن حضرت نیز حرف ندا به کار نبرد؛ زیرا کسی که کرامت‌های فراوانی را مشاهده کند، خود را در محضر و مشهد خدا می‌بیند و دیگر با حرف ندا و به‌صورت «يَا رَبِّ» او را نمی‌خواند، بلکه در مقام احساس قرب خدا و بدون حرف ندا می‌گوید: «رَبِّ» (همان: ۱۴ / ۱۷۳).

۵. دعا برای همگان

یکی از آداب دعای انبیا که با اخلاق عبودیت سازگار است، این است که هنگام دعا، برای ذریه و اقوام و همگان دعا می‌فرمودند. حضرت ابراهیم برای خود و ذریه خود چنین دعا می‌کند: «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا» (بقره / ۱۲۸). مقصود از ذریه، خصوص ذریه ابراهیم و اسماعیل نیست؛ بلکه مراد، مطلق ذریه هر یک از آن دو بزرگوار است و اگر حدیثی درباره خصوص اهل بیت وارد شده باشد، ممکن است ناظر به بهره‌برداری بیشتر آنان باشد، نه اختصاص اصل محتوای دعا به آنها (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۷ / ۶۴). حضرت نوح نیز مغفرت را برای خود و دیگران درخواست کرد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» (نوح / ۲۸). همسر عمران نیز برای ذریه فرزندش، مریم، دعا کرد: «إِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» (آل عمران / ۳۶). از اینجا معلوم می‌شود که مادر مریم از نسل آینده فرزندش آگاه بود و برای آنها دعا می‌کرد (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۱۴ / ۱۳۷).

نتیجه

با تأملات علمی پیرامون دعا‌های پیامبران در قرآن، مدل‌ها و سبک‌های متفاوتی را می‌توان در این ادعیه شناسایی کرد. این مدل‌ها علی‌رغم ویژگی‌های به‌ظاهر متخالف و متناقضی که دارند، هرکدام در جایگاه خود با اخلاق بندگی و معنویت سازگارند؛ زیرا اصلی‌ترین ریشه تفاوت این دعاها در تفاوت کلمات وجودیه و استعدادهای وجودی ایشان و فراز و فرود احوالات قلبی و سلوکی و همچنین نوع گفتمان و صورت‌بندی گفتاری ایشان در ارتباطات کلامی با خداوند است. بنابراین از نتایج مهمی که از این بررسی‌ها می‌توان به دست آورد، آن است که مدل‌های ادعیه پیامبران برحسب این تفاوت‌ها، مختلف است؛ مدل‌های متخالفی نظیر: دعای بدون درخواست حاجت و مبتنی بر حمد و ستایش و شکر پروردگار، همچنین دعای همراه با حاجت اخروی یا حتی دعای همراه با حاجت دنیوی، دعا‌هایی نظیر دعا‌های متعین و دعا‌های غیرمشمول بر حاجت معین و نیز دعا‌هایی که سازگار با علت‌های طبیعی هستند و همچنین دعا‌هایی که ناسازگار با علت‌های طبیعی هستند و حتی دعا‌هایی که در آنها از امر مقضی به‌ظاهر به خدا شکایت شده است یا دعا‌هایی که همراه با ابراز رضایت به امر مقضی، از خداوند تغییر قضا و قدر را می‌خواهد. همه این مدل‌ها و سبک‌ها به‌نوعی می‌توانند تبیین‌گر سازوکاری با اخلاق بندگی و معنویت باشند؛ هرچند به‌ظاهر دارای سبک‌ها و مدل‌های متفاوتی هستند و انسان بهترین دعایی را که از بین سبک‌های مختلف دعای پیامبران برمی‌گزیند، دعایی است که با زبان حال و زبان استعداد وجودی او همخوانی دارد. شاید بهترین دعا از بین ادعیه قرآنی، انتخاب آن دعایی باشد که با زبان حال و مقتضای استعداد وجودی داعی مناسبت دارد. البته رعایت آداب دعا نیز در نظام‌واره اخلاق بندگی، ضروری به نظر می‌رسد؛ همان‌طور که انبیا این آداب را رعایت می‌کردند.

فهرست منابع

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم.
- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۲). شرح مقدمه قیصری. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- اردبیلی، سید عبدالغنی (۱۳۸۱). تقریرات فلسفه. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بیدهندی، محمد، ابراهیم رضایی و حمید حائری (۱۳۹۵). مراتب معنوی انبیا (علیهم‌السلام) از دیدگاه ابن‌عربی و ملاصدرا اصفهان: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

- الشریف الرضی، محمد بن الحسین (۱۳۸۷). *نهج البلاغه*. تهران: ضبط نصه وابتکر فهارسه العلمیه صبحی الصالح.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثة، قسم الدراسات الاسلامیه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *توحید در قرآن (تفسیر موضوعی ۲)*. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *ادب توحیدی انبیا در قرآن (تفسیر موضوعی ۱۸)*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). *تفسیر تسنیم*. قم: مرکز نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن الحسن (بی‌تا). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۹). *مجموعه رسائل فلسفی (رساله قضا و قدر)*. تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). *مجمع البحرين*. تهران: مرتضوی.
- کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹). *الکافی*. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). *آموزش فلسفه*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۷). *کشف المحجوب*. مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدینی. تهران: سروش.

ب) مقاله‌ها

- حسینی، سیده زهره و احد فرامرز قراملکی (۱۳۹۶). خدا از مفهوم تا مدل‌های معرفتی (تمایز و ارتباط مفهوم تصور و تصویر خدا و نقش روش‌شناختی مدل‌ها در ادراک خدا). *فلسفه دین*. ۱۴ (۱). ص ۴۸ - ۲۱.
- رأفتی، فاطمه و حسن ابراهیمی (۱۳۹۳). رابطه استجاب دعا و معجزه با نظام علیت از نظر شارحان حکمت متعالیه. *نشریه فلسفه تحلیلی*. ۱۰ (۱). ص ۱۴۲ - ۱۲۱.
- قنادی، صالح و نسیم سادات مرتضوی (۱۳۹۷). تحلیل تلفیق مفهومی نور و جلوه‌های نوری حضرت قائم علیه السلام با تکیه بر آیات قرآن. *عصر آدینه*. ۱۱ (۳). ص ۱۲۳ - ۱۰۹.